

مختصری در تشریح قرارداد نفت

- ۲ -

۳ - مخارج برای ایجاد تأسیسات جدید -

پس از اینکه ایرانیها تمام تأسیسات شرکت سابق را بتصرف درآوردند و پس از اینکه قدری فرصت رسیدگی دقیقتری بر آنچه موجود بود حاصل شد اقلآً آنانکه وارد مسائل مربوطه بتصفیه خانه بودند فهمیدند که برجهای تصفیه و وسایل ثابت دیگر در شرکت نفت از بهترین و جدیدترین وسایل نبودند و بخصوص مدتی که از کار افتادند بخرابی و کهنگی بیشتر افزود و در موقعیکه شرکتهای عامل این تأسیسات را تحویل گرفتند معلوم بود که مبالغ گزافی برای بکار انداختن آن میبایست خرج کنند و بعلاوه مبالغ گزافی هم برای ازدیاد محصول در مدت سالهای بعدی میبایست خرج بشود.

اینگونه مخارج گزاف با اصل مالکیت شرکت ملی نفت مغایرت و منافات دارد ساختن یک دستگاه تصفیه جدید یا خرید ماشین آلات بزرگ جدید متضمن مخارج گزاف است و اگر شرکتهای عامل میبایست چنین مخارجی را متحمل شوند مسئله مالکیت این تأسیسات جدید بلا تکلیف میماند واضح است که دولت ایران و یا شرکت ملی نفت نمیتوانند مخارج را عهده دار شوند و اگر شرکتهای عامل خرج کنند نمیتوانستند دست از مالکیت آن بکشند.

راه حلی که برای این مسئله پیدا شده این است که در بندهای مختلف ماده ۶ گنجانیده شده و تقریباً بقرار ذیل است:

شرکت عاملی که میخواهد تأسیساتی ایجاد کند از طرف شرکت ملی نفت ایجاد میکند و مالکیت آن در شرکت ملی نفت باقی میماند ولی مخارج چنین تأسیساتی را نیز عهده دار نمی شود بلکه آنرا نیز از طرف شرکت ملی نفت انجام میدهد بدین معنی که اول قرضه بشرکت ملی مساوی احتیاجات برای تأسیسات و مخارج جدید میدهد و این قرضه را جزء مخارج شرکت عامل مربوطه در عوض ده سال استهلاک میکند و بعد پول قرضه را از طرف شرکت ملی نفت بمخارج لازم میرساند بالنتیجه شرکت ملی نفت خرج جدیدی نکرده و عنوان مالکیت بر تأسیسات را نیز حفظ کرده و در عین حال شرکتهای عامل بدون اینکه مسئله مالکیت شرکت ملی نفت مانع امور آنها بشود مخارج لازم را کرده اند و از تأسیسات و وسایل جدید استفاده میکنند.

اما یک تفاوت فوق العاده در بین است و آن این است که سیستم فوق العاده پیچیده برای حسابداری این امور بوجود آمده. سیستم حسابداری در ظاهر امری عادی است ولی

مختصری در تشریح قرارداد نفت

در عمل ممکن است ایجاد مشکلات فوق العاده پر زحمتی بکند. در عمل شرکتهای عامل خود مالک و مسئول امور هستند بخارج لازم را میکنند ولی همیشه از یک دفتر بدفتر دیگر و از یک حسابدار بحسابدار دیگر مخارج و صورتهای لازم را منتقل میکنند که ظاهر قرضه و مالکیت شرکت ملی نفت حفظ شده.

این بود بطور کلی طریقه ای که اعضای کنسرسیوم مسائل مربوطه بتشکیلات اداری خود و رابطه خود با شرکت ملی نفت و مسئله غرامت شرکت سابق و بالاخره مسائل مربوط بمخارج لازم برای اداره امور را پیش گرفتند.

طریقه پیش گرفته شده خالی از اشکال نیست اما هر طریقه دیگر نیز مشکلاتی داشت. بهر تقدیر اجرای این قرارداد بوضع مرضی الطرفین متضمن حسن نیت از دو طرف و درک مسائل مربوطه و تعمق و تأمل بسیار و بطور قطع متضمن وجود یکعده محاسب و وکیل و سیاستمدار درجه اول سیاشد اگر اینها وجود داشت این راه حل یا هر راه حل دیگری ممکن است موفق شود ولی اگر اینها وجود نداشتند هیچ راه حلی موفق نمیشود تا چه رسد بمفهوم نمایندگی و وکالت که در این قرارداد اساس کار تعیین شده. وقت آن رسیده که ما ایرانیان بدانیم که باهوی وهوس ودلخواه امور دستگاهی بمفصلی و پیچیدگی نفت اداره نمیشود. تحصیل و تعمق و تحمل و تأمل بسیار لازم دارد. قرارداد بخودی خود هیچ مسئله را حل نمیکند باید با حسن نیتی که بر اساس تحصیل و تعمق قرار گرفته باشد پیشرفت و جز این چاره نیست.

در تاریخی که تحت قرارداد داری کار میکردیم ما دقت کافی برای حدود و درجه حقوق خود مبذول نمیداشتیم و تقریباً بدون مطالعه قرارداد را تنظیم کردیم باز بدون مطالعه آنرا از میان برداشتیم و بدون تعمق دست به عملیاتی زدیم و باز بدون مطالعه ممکن است قرارداد دیگر تنظیم کنیم. اقل در مورد اجرای این قرارداد باید تعمقی بیشتر مبذول بداریم و بانظر عمیق تری وارد شویم و بی مطالعه از روی هوس و احساسات عقل سلیم را از دست ندهیم.

۴ - اختیارات شرکتهای عامل

چنانکه گذشت در حقوق الف و ب ماده ۴ بتفصیلی که ممکن است بمخیله حقوق دان با تجربه و مهندسین نفت کار افتاده برسد بشرکتهای عامل اختیار داده شده که نسبت به امریکه بهر یک از آنها سپرده شده اقدام کنند یعنی شرکت اکتشاف و استخراج دارای کلیه حقوق متصوره و اختیارات لازم برای اکتشاف و استخراج نفت میباشد و همچنین شرکت تصفیه دارای کلیه اختیارات و قوای لازم هست اما اختیارات و حقوق مذکور در این مواد منحصراند از حیث نوع بآنچه در عمل میباشد. چون غیر از مسائل فنی مسائل دیگری درین است در حدود لزوم در مواد بعدی قرارداد گنجانیده شده اند. مواد ۷ و ۸ و ۹ مختص تحصیل زمین و آب و سنگ و حقوق مربوطه بآنها است.

در قراردادهای قبلی شرکت سابق حق داشت زمینهای لازم را اگر متعلق بدولت

مختصری در تشریح قرارداد هفت

بودند بلاعوض و در صورتیکه مال اشخاص غیر از دولت بودند در مقابل قیمت عادله سطح زمین تصرف کند. این قرار برای شرکتهای عامل ممکن نبود زیرا شرکتهای عامل از طرف شرکت ملی نفت عمل میکنند و حتی مالک تأسیسات خود نیستند تا بزمین و آب و غیره چه رسد بنا بر این بموجب این مواد شرکت ملی نفت متعهد شده که زمینهای لازم را آنطوریکه شرکتهای عامل تقاضا کنند و بمقداری که آنها تصمیم بگیرند برای آنها کسب کند اما تمام عملیات و معاملات در این زمینه منحصرآ میبایست باسم شرکت ملی باشد ولی برای استفاده شرکتهای عامل.

اثر حقوقی این نوع قرارداد قدری نامعلوم است چطور میشود فردی ملکی را بخرد اما برای استفاده شخص ثالثی یا ملکی را اجاره کند برای استفاده شخص ثالثی. در حقوق ایران این رویه و مسئله سابقه ندارد و حتی اگر کار بمحاکم کشید ممکن است اساساً باطل و بی اثر بماند اما در مقابل این طریقه در حقوق انگلیس و آمریکا سابقه ممتد و بسیار مفصل و در عین حال پیچیده و مشکل دارا میباشد که در متن انگلیسی ذکر شده کلمات فنی حقوق مربوط باین سابقه ممتد حقوق انگلیس و آمریکا است اینجا باز مسئله که قبلاً طرح شده و بعد بتفصیل بیشتر بحث خواهد شد پیش میآید و آن مسئله قانون حاکم بر آن قرارداد است.

در قانون ایران بنظر این نویسنده ناچیز خیلی مشکل است که شخصی تعهد کند که زمین را با میل و تقاضای شخص دیگری از مالک بخرد و یا اجاره کند.

روابط حقوقی این سه شخص یعنی مالک و خریدار و متقاضی یا در این مورد مالک و شرکت ملی نفت و شرکت عامل مربوطه هیچ معلوم نیست در صورتیکه تحت حقوق انگلیس و آمریکا این رابطه نسبتاً معلوم است.

حال با این قرار چه باید کرد معلوم نیست. در عمل شرکت ملی مثل سابق وارد میشود یعنی زمین مورد نظر را میگیرد و قیمت عادله آنرا میدهد و حقوق لازم را بشرکت عامل مربوطه واگذار میکند و دعوائی هم در این مورد هنوز بمحاکم نرفته تا اثر و استحکام حقوقی این قرار مثلث معلوم شود.

بهر حال بدون داشتن زمین و آب و سنگ و خاک لازم شرکتهای عامل قادر بکار نیستند و باید شرکت ملی که مالکیت همه چیز را دارد برای آنها لوازم کار را تهیه کند.

حال اگر شرکت ملی از این وظیفه خود استنکاف کرد یا در واگذاری حقوق استفاده از زمین و آب مشکلاتی ایجاد کرد تکلیف شرکتهای عامل چیست و ضمانت شرکت ملی در این زمینه چه میشود نمیتوان گفت نتیجه تخلف از قرارداد است اما آثار این تخلف در قرارداد چه میشود نیز معلوم نیست. در این مواد مکرر در مکرر ذکر شده که شرکت ملی نمیتواند برخلاف عقل یا بدون دلیل موجه از تهیه زمین و آب خودداری کند اما معیار و مقیاس این رویه عقلانی و دلیل موجه معلوم نیست. در صورت اختلاف بناچار میبایست برای تعیین معیار و مقیاس وظایف طرفین و معیار و مقیاس عقلانی بودن عملیات

آنها بحکمیت رجوع کرد. تحت مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ حقوق و محدودیتهای دیگری برای شرکتهای عامل قائل شده اند که تفصیل آنها در اینجا لزومی ندارد.

۵ - عواید مالی شرکتهای عامل

اگر در این مختصر ممکن بود حقوق و اختیارات و بعد تشکیلات و وضع مالی شرکتهای عامل را تعیین کرد و بحث کرد شاید اساساً مسائل مربوطه لایق بحث حقوقی نبودند و در عین حال حتی اگر ممکن بود مختصراً بچنین جزئیاتی پرداخت تردیدی نیست که از عهده این نویسنده ناچیز خارج است بنا بر این آنچه اینجا گفته میشود فقط ذره ای از دریا است تشکیلات و وضع مالی شرکتهای عامل فوق العاده بزرگ است و در اینجا فقط اشاره ب کلیات میشود.

شرکتهای عامل چنانکه گذشت بموجب قرارداد هلندی میباشند و در ایران ثبت رسیده اند. آنها دستهای کنسرسیونم اند برای اداره امور نفت از هر حیث و هر جهت در ایران و نیز چنانکه گذشت جز سمت نمایندگی و یا وکالت از طرف شرکت ملی نفت و دولت ایران برای عملیات خود سمت دیگری حائز نیستند و حتی مالک اشیائی که برای کار خود وارد ایران میکند نخواهد بود. اما آیا مالک نفتی که استخراج میکنند یا آنچه تصفیه میکنند خواهند بود یا نه مبحثی است که در صفحات بعدی راجع بان بحث خواهد شد باین اندازه باید اکتفا کرد که آنها حتی مالک نفت مستخرجه و یا تصفیه شده نخواهند بود. در اینصورت بطور میبایست بعنوان شرکت زنده بمانند این شرکتهای دارای مخارج گزافی هستند و در مقابل میبایست عایدی معین داشته باشند.

باین دلیل تحت ماده ۱۳ دو نوع پرداخت بشرکتهای عامل پیش بینی شده که بوسیله خریداران نفت پرداخت میشود. خریداران نفت چه اشخاصی خواهند بود خود مسئله است که باید بعداً تشریح شود اینجا باید باین اختصار قناعت شود که هر کسی ممکن است خرید نفت را تا حدودی از دولت ایران و یا شرکت ملی نفت و همچنین از اعضای کنسرسیون تقاضا کند. چنین خریداری است که میبایست غیر از قیمت نفت دو نوع پول بشرکتهای عامل پردازد.

نوع اول حق الزحمة شرکت عامل مربوطه است که مقدار آن ثابت و برای هر متر مکعب نفت یک شلینک انگلیسی است یعنی اگر خریداری خواست نفت خام بخرد بغیر از قیمت نفت خام میبایست برای هر یک متر مکعب آن یک شلینک انگلیسی بشرکت اکتشافات و استخراج بدهد و اگر خواست نفت خام را تصفیه کند و ببرد برای هر یک متر مکعب نفت خام که تصفیه شد باید یک شلینک بشرکت تصفیه پردازد. این حق الزحمة شرکتهاست.

نوع دوم پرداخت ثابت نیست و آن عبارتست از مخارج هر یک از شرکتهای عامل بنسبت مقدار نفتی که خریدار معینی میخرد و یا تصفیه میکند. جزء ب ماده ۱۳ باختصار مقرر میدارد که در محاسبه مخارج هر یک از شرکتهای عامل مخارجی را باید در نظر گرفت.

مختصری در تشریح قرارداد نفت

بنا بر این باختصار شرکتهای عامل از خریداران کلیه مخارج خود را دریافت میدارند بعلاوه یک شلینگ در هر متر مکعب نفت که استخراج و یا تصفیه میکنند. در مورد یک شلینگ در هر تن هیچ اشکالی بنظر نمیرسد ولی در مورد مخارج شرکت عامل و سهم هر یک از خریداران بنسبت مقدار نفت خریداری خیلی مسئله پیچیده است مخارج هر سال شرکت عامل در سال بعد تعیین میشود در صورتیکه پرداختی از بابت سهم مخارج در موقع خرید نفت باید پرداخت شود یعنی در سال جاری حال چطور چنین محاسبه ایرا پیش بینی کرده و چگونه جزئیات آن محاسبه میشود بر این نویسنده ناچیز نامعلوم است. ممکن است تصور کرد که تمام خریداران مبالغی علی الحساب میپردازند و در سال بعد حسابها را واریز میکنند. این راه عملی هست اما مثل اینکه خیلی آسان نیست. لازمه آن یک سیستم فوق العاده مشکل محاسباتی و دفتر داری است.

اما مشکل تنها آن نیست تأسیسات نفتی عمر معینی دارند و تأسیساتی که در ایران شده و میشود برای شرکت ملی نفت میشود و مخارج آنها بخرج حساب شرکت عامل مربوطه میشود. اگر عمل تأسیسات مورد بحث فقط بقدر طول مدت قرار داد بود شاید تا اندازه بدقت میشد مخارج شرکت عامل مربوطه و وضع استهلاک را تعیین کرد اما حال که مدت قرارداد محدود است و مخارج شرکتهای عامل و آثارشان تا بعد از انقضای قرارداد باقی خواهد ماند و قسمت عمده از مخارج شرکتهای عامل از نوع سرمایه میباشد که متعلق بشرکت ملی است چگونه میتوان بنسبت مقدار نفت خریداری یا تصفیه شده مخارج شرکتهای عامل را بدقت محاسبه کرد تا از خریداران وصول شود بهر تقدیر این سیستم متضمن یک دستگاه حسابداری است که وسعت آن از خود تصفیه خانه ممکن است تجاوز کند و بالتیجه ایجاد مشکلات گوناگون برای طرفین بشود و یا اینکه دقت کافی در محاسبه مبذول نشود. این رویه ممکن است محسناتی هم داشته باشد مثلاً چون مخارج ایجاد تصفیه تا حدودی ممکن است با مقدار نفت ایجاد شده و تصفیه شده تغییر کند خریداران شاید تشویق شوند که بمقدار خرید بیفزایند و برای ایران نیز این ترتیب خالی از فایده نمیشد ولی عیوبیکه بعلت حسابداری فوق العاده مشکل این رویه ایجاد میشود بمحسناتش ممکن است نیرزد مثلاً ایران چون شریک در منافع این شرکتهای عامل است حق دارد بمحسابات آنها رسیدگی کند و واضح است که ایران هرگز قادر بر رسیدگی بمحسابات شرکت نفت نبوده و دلیل آن هم سیاسی است و هم عدم اراده و فهم عمیق در مسائل مربوطه و هر چه بمحسابات پیچیده تر و مشکل تر باشد عجز ایران در رسیدگی بآنها بیشتر خواهد بود.

۶ - موقعیت شرکت نفت ملی ایران

گفته شد که منتهای جدیت مبذول شده که وضع و موقعیت شرکت ملی نفت را تا حدودی حفظ کنند حال بفرض اینکه شرکت ملی نفت موجود است مسئله مسؤلیتهای آن و اموری را که عهده دار است بیبایست مورد تحقیق قرارداد و آنها بناچار مختصراً سه وظیفه مهم بعهد شرکت ملی نفت محول شده.

اول - اداره امور استخراج و تصفیه نفت در مغرب ایران یعنی نفت شاه و کرمانشاه

مختصری در تشریح قرارداد نفت

است. بموجب قرارداد ایران و شرکت ملی نفت آزادند در این مورد بهر نحو که صلاح میدانند عمل کنند. اینک در جنوب تهران در راه قم عملیاتی پیش گرفته شد و اکتشافاتی نیز بعمل آمده. نفت کرمانشاه خود از این جمله است که ممکن است بمرور تا اندازه وسعت پیدا کند.

دوم - وظیفه شرکت ملی نفت ایران تهیه مصارف داخلی مملکت است و برای این منظور شرکت ملی نفت از شرکتهای عامل مصارف خود را تهیه میکند و بنقاط مختلف مملکت میرساند. این کار پرزحمتی است و شرکت ملی نفت تحت نظر متخصصین خود که همه مسابقه در کار نفت و در شرکت سابق داشته اند تا اندازه ای موفقیت حاصل کرده. رساندن نفت بنادر دوردست جنوبی و نقاط دور افتاده در گوشه های کویر و ولایات جنوب شرقی هم پرزحمت است و هم پرستوایت. وکلای این ایالات دائماً فشار میآوردند که اهالی از این حیث در زحمت نباشند.

نسبت بمصارف شمالی مملکت هم لوله کشیده میشود که بتواند از جنوب همه نوع نفت تصفیه شده و محصولات بعلاوه گاز برای مصارف بهتران برساند و بار سنگینی را ازدوش راه آهن بردارد. در قرارداد مواد مختلفی هست که از این حیث حاکم بر روابط شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای عامل است از جمله مواد ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ میباشد و بموجب این مواد شرکت نفت ملی مخارج ایجاد و تصفیه شرکت عامل را میدهد و برای گاز در صورت لزوم موظف است که مخارج اضافی نیز بدهد چون شرکتهای عامل مقدار زیاد برای مصرف خود احتیاج ندارند باین دلیل برای وسایل ایجاد و تصفیه گاز خرج نمیکند و شرکت ملی اگر احتیاج داشت بموجب قرارداد خود مخارج را متحمل شود.

اما نسبت بقیمت نفت قرارداد ساکت است و دلیل آن نیز روشن است. شرکت ملی نفت را بکسی نمیدهد چون تمام نفت برای شرکت ملی استخراج میشود و چنانکه خواهد آمد خریداران نفت میبایست از شرکت ملی نفت بخرند بنابراین شرکت ملی برای مصارف داخلی ایران فقط مخارج تهیه نفت را میدهد و محصولات را در ایران میفروشد. اما باید در نظر داشت که شرکت ملی با وجود اینکه قیمت نفت را نمیدارد و آنرا میفروشد مبالغ گزافی در سال ضرر میدهد و این ضرر قصور کسی نیست بلکه شرکت سابق نیز برای مصارف داخلی ایران ضرر فوق العاده میداد.

وظیفه سوم شرکت ملی نفت که از وظایف دیگر آن ممکن است پر مسئولیت تر و در عین حال مفید تر باشد وظایفی است که در قرارداد عملیات غیر صنعتی نامیده شده. وسعت عملیات شرکت سابق نفت در ایران و در دنیا از حدود مخیله مرد میگذرد.

در ایران شرکت سابق انواع و اقسام کارهایی را که ممکن و لازم بود انجام میداد مثلاً در شهر آبادان اتوبوسرانی میکرد و مغازه های اغذیه فروشی داشت ساختمان کلیه وسایل را از قبیل خانه مسکونی تا سینما و میدان طیاره را عهده دار بود و در عین حال بزرگترین تصفیه خانه دنیا را نیز اداره میکرد طریقه عمل شرکت سابق ممکن بود بوسیله مقاطعه کاران باشد یعنی میتوانست ساختمان مقداری خانه را مطابق مشخصات معلوم و معین بمقاطععه کاران

مختصری در تشریح قرارداد نفت

بدهد و همچنین اداره کردن مثلاً تمام رستوران‌ها و یا کارآزهای تعمیر اتومبیل را ممکن بود بعهدہ دیگران واگذار کند.

اما سیاست شرکت سابق بخلاف این بود چنانکه بسیاری از نویسندگان این مسئله را ذکر کرده اند شرکت سابق حتی المقدور خود را از اقتصاد کلی ایران دورنگه میداشت حتی المقدور اجناس خود را از خارج وارد میکرد و بعد مستقیماً دست بساختن و احداث تأسیسات لازم میزد و بالتیجه صنعت نفت که غیر مستقیم ممکن بود دروضع اقتصادی ایران فوق العاده مؤثر و مفید باشد اساساً از خود اثری جز پرداخت حق الامتیاز باقی نمیکذاشت و در اطراف صنعت نفت که گنجایش پروراندن انواع صنایع دیگر را دارد هیچ صنعتی رشد و نمو نکرد و ایرانیان از این حیث فایده نمیردند.

برای رفع این عیب سیاست کلی جدید این شد که ترتیبی کنند که در اطراف صنعت نفت سرمایه داران ایرانی و کسانی که قادر بترتیب دادن تشکیلات برای صنایع مختلف هستند شروع بکار کنند و کم کم صنایع مختلف و مفیدی در دست ایرانیان در خوزستان و جزه لاینفک صنعت نفت ایجاد شد که هم نفت بمرور وارد اقتصاد ایران شود و هم ایرانی‌ها از وجود صنایع فرعی نفت بتوانند استفاده ببرند.

ماده ۱۷ قرارداد بنا بر این ده گونه عملیات بخصوص را اسم میبرد و نیز مقرر میدارد که هر نوع عمل دیگری که طرفین قرارداد با یکدیگر توافق کردند جزء عملیات غیر صنعتی محسوب میشوند. جز این امور دهگانه اموری هستند که ممکن است ایجاد زحمت کنند یا شاید بعلت زحمت بود که اعضای کنسرسیوم خواسته اند آنها را از سرباز کنند و همیشه در صورت اعتراض آنها بشرکت ملی متوجه سازند. از جمله مثلاً خانه کارگران است در جنوب که از مسائل فوق العاده شاق و پره زحمت برای زمامداران است. بهر تقدیر امروز دست ایرانیان و شرکت ملی نفت تا اندازه ای باز گذاشته شده

که در جنوب صنایع فرعی در اطراف صنعت نفت ایجاد کنند و از این حیث بوضع اقتصادی مملکت کمک مؤثر و مفید بشوند و دیگر موقوف است بهمت خود ایرانی‌ها. در عمل هنوز آنطور که باید و شاید نقشه معلوم و معینی را طرح نکرده اند که تحت آن شرکت ملی نفت و شرکتهای عامل با افراد ایرانی و سرمایه آنها مشغول معامله بشوند ولی ظواهر امر نشان میدهد که مشکلترین مانع طرح چنین نقشه امروز اختلاف بین شرکت ملی نفت و شرکتهای عامل است در سر اینکه چه عمل بخصوصی و چه عملیاتی غیر صنعتی میباشد.

ماده ۱۷ فوق العاده مفصل است و جزئیات آن را در اینجا نمیتوان بحث کرد بآن اندازه باید اکتفا شود که در این ماده مقرراتی پیش بینی شده که تحت آنها شرکت ملی نفت بشرکت و همراهی شرکتهای عامل بتواند مخارج نسبتاً سنگینی را برای تأسیسات غیر صنعتی متحمل شوند طبیعی است که شرکت ملی نفت یا شخص ایرانی که میل دارد در جنوب وارد عملیاتی شود ممکن است برای کار معین بقدر کافی سرمایه نداشته باشد سرمایه مورد احتیاج این عملیات سنگین است و در ایران بنگاههای خصوصی چنین دست بازی ندارند در اینصورت شرکت ملی نفت میتواند به همراهی شرکتهای عامل یا کسانی که حاضرند مبالغی در این عملیات خرج و مصرف کنند دست با اقدامات لازم بزنند درجه موفقیت

این نقشه را نمیتوان پیش بینی کرد و موقوف است بآتیه و استقبالی که سرمایه داران ایرانی از موقعیت جنوب و وسایل فراهم شده در این جا خواهند کرد تا بحال جزئی مذاکراتی بین سرمایه داران خصوصی و همینطور بین شرکت ملی نفت و شرکتهای عامل شده و حتی بعضی ها هم مشغول کارهای کوچک شده اند ولی نسبت بآنچه ممکن است پیش بیاید پیشرفت جدید قابل ملاحظه نکرده اند

۷ - شرکتهای بازرگانی

آنچه که تا بحال گفته شد مربوط بود با کتشاف و استخراج و تصفیه نفت و بالاخره روابط بین شرکتهای عامل و شرکت ملی نفت ایران از حیث تأسیسات موجود و عملیات صنعتی و غیر صنعتی تا بحال جز مختصر ذکری که در ماده ۱۱ قرارداد راجع بپرداخت پول بایران برای مصارف گاز طبیعی شده هیچگونه مقرراتی راجع بفروش نفت و طریقه پرداخت پول و تشکیلات مربوطه بآن بحث نشده و شرکتهای عضو کنسرسیوم شرکتهای بزرگی هستند که هر یک دارای چندین شرکت فرعی برای عملیات مختلف در دنیا میباشند ولی برای خرید و صدور نفت از ایران ناچار بوضع مقرراتی شدند که خود حتی المقدور مستقیماً وارد معامله نشوند.

برای این منظور شرکتهای فرعی تشکیل داده اند و در قرارداد پیش بینی شده که هر یک از اعضای کنسرسیوم میتوانند شرکتهای فرعی را برای معاملات نفت تعیین کنند و آن عضو کنسرسیوم میبایست تمام سهام حائز رأی در شرکت فرعی را مالک باشد. این شرکتهای فرعی مختص خرید و فروش نفت و صدور آن از ایران پیش بینی شده اند. طریقه که این شرکتهای فرعی نفت میخرند و مقدار یکه حق دارند بخرند و قیمت آن و روابط آنها با شرکت ملی نفت و وضع پرداخت پول بایران تمام موقوف است به بحث در فصل بعدی.

قبل از شروع فصل بعد بهتر است باختصار یک نظر کلی بتشکیلات صنعت نفت بیندازیم تا تشکیلات آن از نظر محور نشود و در ضمن کمکی بدرک مطالب بعدی خواهد بود.

شرکتهای عضو کنسرسیوم طرف قرارداد با ایران و شرکت ملی نفت هستند. اینها توأمأ دوشرکت عامل یکی برای اکتشاف و استخراج و دیگری برای تصفیه تشکیل داده اند. این شرکتهای عامل در ایران به ثبت رسیده اند و تحت قوانین هلند تشکیل شده اند. شرکتهای عامل نیز قرارداد را امضا کرده اند و اعضای کنسرسیوم توأمأ و بتنهائی ضمانت آنها را کرده اند. شرکتهای عامل از طرف ایران و برای شرکت ملی نفت بعملیات اکتشاف و استخراج و تصفیه میپردازند و برای مدت قرارداد حق دارند از تأسیسات نفتی استفاده کنند و نیز تأسیسات جدیدی که مالکیت تمام آنها در شرکت ملی نفت باقی خواهد بود ایجاد کنند. عملیات غیر صنعتی بشرکت ملی نفت واگذار شده و برای اجرای آنها مقرراتی وضع شده که با همکاری با سرمایه های خصوصی و شرکتهای عامل صنایع مختلف در اطراف صنعت نفت وسعت پیدا کند و بالاخره شرکتهای بازرگانی پیش بینی شده که برای خرید و فروش و صدور نفت از ایران اقدام کنند.